

## نقش آموزش مهارت‌های اجتماعی در نظم مدرسه ابتدایی

فاطمه خدابخشی صادق‌آبادی<sup>۱</sup>

۱. دانشجوی دکترا برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره بیست و هشتم، بهمن‌ماه ۱۳۹۷، صفحات ۴۹-۳۰

### چکیده

آموزش و پرورش نهادی ارزشی محسوب می‌شود که جامعه از آن انتظار دارد همواره یادگیری مهارت‌های اجتماعی را در کنار آموزش سایر دروس بهبود بخشد. مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای هستند که فرد را قادر به تعامل مؤثر و اجتناب از پاسخ‌های نامطلوب نموده و بیانگر سلامت رفتاری و اجتماعی افراد هستند. این مهارت‌ها ریشه در بسترهای فرهنگی و اجتماعی دارد. مطالعه حاضر که به روش مروری-کتابخانه‌ای انجام شده، درصدد است علل بی‌انضباطی را بررسی کرده و راه‌هایی برای کاهش این علل ارائه خواهد شد. بدیهی است اگر آموزش مهارت‌های اجتماعی با برنامه، منظم و به‌طور مستمر در طول دوران آموزش دانش‌آموزان تداوم داشته باشد، موجب رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان و همکاری و مشارکت همه‌جانبه میان خانواده‌ها، معلمان و مربیان خواهد شد. آموزش مهارت‌های اجتماعی مناسب و فراهم کردن فرصت‌ها و تجربی که تعاملات اجتماعی را افزایش دهد، موجب می‌شود دانش‌آموزان بتوانند راهبردها و مهارت‌های اجتماعی را در تمام محیط‌ها و موقعیت‌های واقعی زندگی تمرین کنند و به کاربندند. بدیهی است فراهم کردن این‌گونه فرصت‌ها، مسئولیت تمام کسانی است که به نحوی با این دانش‌آموزان در ارتباط هستند و برنامه‌های آموزش تلفیقی و فراگیر را باور کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های اجتماعی، نظم، دانش‌آموزان.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره بیست و هشتم، بهمن‌ماه ۱۳۹۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
روانشناسی

## مقدمه

مهارت های اجتماعی، رفتارهای هستند که فرد را قادر به تعامل مؤثر و اجتناب از پاسخ های نامطلوب نموده و بیانگر سلامت رفتاری و اجتماعی افراد هستند. این مهارت ها ریشه در بسترهای فرهنگی و اجتماعی داشته و شامل رفتارهایی نظیر پیش قدم شدن در برقراری روابط جدید، تقاضای کمک نمودن و پیشنهاد برای کمک به دیگران است. تبعات و پیامدهای برخورداری از سطوح نامناسب مهارت های اجتماعی منجر به فقدان سلامت رفتاری و اجتماعی مناسب در دوران بزرگسالی خواهد بود. چلیندن<sup>۱</sup> (۱۹۴۲) مهارت اجتماعی را قاطعیت و تأثیرگذاری بر رفتار سایرین تعریف می کند. هاسلت<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۷۹) این تعریف را تکمیل کرده و مهارت اجتماعی را تأثیرگذاری بدون آسیب رساندن به دیگران بیان کردند. این تعریف مشتمل بر ابراز خوشحالی، قدردانی از تعریف و تمجید دیگران و سایر رفتارهایی است که در تحکیم روابط میان فردی ضروری است. با توجه به نقش اساسی مهارت های اجتماعی در روابط میان فردی و ویژگی های اکتسابی بودن آنها از یک سو و ارتباط مهارت های اجتماعی با پیشرفت و نقش آنها در کاهش مشکلات روحی، ذهنی و کج روی های اخلاقی از سوی دیگر، فرصت آموزش آنها کاملاً احساس می شود. اکتساب مهارت های اجتماعی، محور اصلی رشد اجتماعی، شکل گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل های اجتماعی، سازگاری اجتماعی و حتی سلامت روان فرد به شمار می آید (تئودور<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). کسب مهارت های اجتماعی کودکان بخشی از اجتماعی شدن آنان است؛ در فرایند اجتماعی شدن، هنجارها، مهارت ها، ارزش ها، نگرش ها و رفتار فرد شکل می گیرد تا به نحو مناسب و مطلوبی نقش کنونی یا آتی خود را در جامعه ایفا کند. خانواده و نهادهای اجتماعی دیگر مانند مدرسه، مهم ترین عامل اجتماعی شدن به شمار می آیند که در قالب ارزش ها و هنجارهای اجتماعی بررسی می شوند (کارتلج و میلبرن، ۱۹۸۵؛ ترجمه نظری نژاد، ۱۳۷۵). ما در دنیای پیچیده و دشواری زندگی می کنیم و لازم است برای موفقیت و پیشرفت در این دنیا و مقابله مؤثر با بسیاری

---

<sup>1</sup> Clittenden

<sup>2</sup> Hassett

<sup>3</sup> Teodoro

از مشکلاتی که رو در روی ما قرار می گیرند، مجموعه ای از مهارت های اجتماعی را به دست آوریم. یکی از اهداف عمده آموزش و پرورش، نیل به سازگاری اجتماعی و برقراری رابطه مفید و مؤثر با دیگران و پذیرش مسئولیت اجتماعی است؛ بنابراین آموزش مهارت های اجتماعی که چنین کودکانی به آنها نیاز دارند، ضرورت دارد. یکی از ویژگی های مهارت های اجتماعی اکتسابی بودن آنهاست و در حال حاضر بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند که بیشتر رفتارهای اجتماعی آموختنی هستند، زیرا کودکانی که در محیط های نامناسب بزرگ شده اند، از لحاظ اجتماعی رفتارهای نامطلوب دارند (هارجی<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۴؛ ترجمه بیگی و فیروز بخت، ۱۳۷۷). بیشتر روانشناسان بر این باورند که مهارت های اجتماعی مجموعه رفتارهای فراگرفته و قابل قبولی است که فرد را قادر می سازد با دیگران رابطه مؤثر داشته باشد و از عکس العمل های نامعقول اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر برقراری رابطه، تقاضای کمک کردن، تعریف و تمجید از دیگران و تشکر و قدردانی کردن، مثال هایی از مهارت های اجتماعی به شمار می آیند (گرشام، ۱۹۸۲؛ گرشام و الیوت<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷؛ الیوت و گرشام، ۱۹۹۳). از این رو، در سال های اخیر توجه زیادی به آموزش مهارت های اجتماعی شده است، زیرا بررسی های متعدد نشان می دهد نارسایی در مهارت های اجتماعی<sup>۳</sup> تأثیر منفی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان می گذارد، مشکلات یادگیری را تشدید می کند و غالباً به بروز مشکلات سازگاری منجر می شود (پارکر و آشر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳). زمانی که از مهارت های اجتماعی یاد می شود، رفتارهای ساده در موقعیت ها و عرصه های گوناگون اجتماعی مورد نظر است، مانند ریختن زباله در ظرف مخصوص، تمیز کردن زمین بعد از شکسته شدن چیزی، شیوه درست به کار بردن وسایل غذاخوری و رعایت آداب غذا خوردن، رعایت آداب لباس پوشیدن در موقعیت های گوناگون، آویختن لباس در جای مخصوص، وارد و خارج شدن از کلاس به شیوه آرام و بدون ایجاد سروصدا، صف بستن و رعایت نوبت، رد کردن خواهش دیگران

---

<sup>1</sup> Hargie

<sup>2</sup> Elliot & Gresham

<sup>3</sup> Social skills deficit

<sup>4</sup> Parker & Asher

به شکل مؤدبانه، برخورد سازنده با انتقاد دیگران، استفاده از کلمات مؤدبانه‌ای مانند لطفاً یا متشکرم، کمک کردن به دیگران و تقاضای کمک از دیگران، سلام دادن و معرفی کردن خود به بزرگسالان و همسالان، قبول شکست در بازی‌های رقابتی و تبریک گفتن به فرد برنده، عذرخواهی کردن در مواقع ضروری و همکاری با دوستان در انجام کارها. نظم و انضباط تعاریف متعددی دارد. عده‌ای کنترل رفتار فراگیرندگان و تسلط بر عوامل رفتاری آنان را انضباط می‌نامند، برخی معتقدند؛ نظم و انضباط شامل هر نوع سازمان‌دهی در محیط مدرسه و کلاس است، به نحوی که سبب افزایش یادگیری شود. اصغری پور (۱۳۸۰) می‌گوید «انضباط عبارت است از: اعمال قواعد و مقرراتی که یادگیری را تسهیل می‌کند و اختلال در کلاس را به حداقل کاهش می‌دهد». لفرانسوا (۱۹۹۱) معتقد است: انضباط بدان دسته از اعمال معلم اطلاق می‌شود که مانع سر زدن رفتارهایی از دانش‌آموز است که فعالیت کلاسی را مختل یا تهدید به اختلال می‌کند» (زمانی، ۱۳۷۸). اصغری پور بی‌انضباطی را این‌گونه تعریف می‌کند: هر نوع رفتاری که از ارزش‌های پذیرفته‌شده جامعه به دور است (با توجه فرهنگ) و دارای تکرار شدت و مداومت است و در زمان‌ها و مکان‌های متعدد اتفاق می‌افتد و همچنین رفتاری است که با درماندگی و کاهش کارایی فرد همراه است. ایزابل کلاک بی‌انضباطی را رفتاری می‌داند که از طرف تعدادی از دانش‌آموزان انجام می‌شود و مشکلاتی را برای فرد معلم به وجود می‌آورد و معلم را در راه رسیدن به هدف که ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان است با مشکل روبرو می‌کند و مانع از پیشرفت کار تحصیلی می‌شود و رفتار آنان نامعقول و نامنظم است. باوجود تعاریف بالا بی‌انضباطی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: انجام دادن هر عمل یا رفتار پذیرفته‌نشده و نامعقول توسط دانش‌آموز که سازمان‌دهی مدرسه و کلاس را مختل یا تهدید به اختلال می‌کند و باعث کاهش کارایی معلم و دانش‌آموزان شده و معلم را در رسیدن به هدف اصلی خود بازمی‌دارد؛ بنابراین شناخت و درمان کودکان با نارسایی در مهارت‌های اجتماعی، یکی از وظایف مهم روانشناسان، مشاوران و متخصصان تعلیم و تربیت به شمار می‌آید تا با آموزش مهارت‌های اجتماعی به آن‌ها در نظم مدارس ابتدایی نقش داشته باشند.

دشواری کنترل دانش آموزان با توجه به ویژگی های سنی آنها روزبه روز روبه افزایش است. بسیاری از معلمان و مدیران از برخورد با مسائل انضباطی دانش آموزان احساس ناتوانی می کنند و به طور معمول ممکن است برخوردهای نامناسبی با این رفتارها داشته باشند. نظم در لغت به معنای آراستن، برپاداشتن، ترتیب دادن کار و...؛ و در اصطلاح نظامی به معنای پیروی کامل از دستورهای نظامی است. انضباط نیز به معنای نظم و انتظام، تربیت و درستی، عدم هرج و مرج، سامان پذیری و آراستگی است. می دانیم آنچه امروز حرف اول را در مدرسه می زند انضباط است، انضباط اخلاقی و رفتاری دانش آموزان می تواند روی آموزش اثرگذار باشد؛ بنابراین پرورش همراه آموزش مهم جلوه می کند. دانش آموزان با انضباط می توانند مسئولیت های مهم مدرسه را به عهده بگیرند و در آینده نیز جامعه به خوبی پذیرای این افراد است. حال مسئله این است که اگر دانش آموز بی انضباط باشد چه کارهایی باید انجام بدهیم؟

مسلماً چنین افرادی دارای مشکلاتی هستند که این مشکلات می تواند از مدرسه و یا عمدتاً از بیرون مدرسه باشد، به هر حال کمک به چنین دانش آموزانی وظیفه معلمان است تا بتوانند دانش آموزانی سالم و پانشاط تحویل جامعه دهند. هدف از بررسی این موضوع، چگونگی ایجاد مدرسه ای شاد با دانش آموزان با انضباط و منظم که انسان های پرورش یافته تربیت شوند و متفکر و متعهد باشند که فقط هدف آنها کسب نمره بالاتر نیست، بلکه هدف، آموزش و پرورش است. نظم و انضباط حاکم بر مدرسه باعث می شود دانش آموزان با برنامه ریزی به کارهای خود برسند و این نظم و انضباط نه تنها داخل مدرسه، بلکه کارهای خارج از مدرسه را نیز تحت الشعاع قرار می دهد و باعث می شود دانش آموزانی با ایمان، مشتاق به درس و مدرسه و در آینده توانمند روی کار بیایند. اگر هر شخصی در هر مرحله زندگی که هست نظم و انضباط داشته باشد موفقیت در انتظار اوست (شعبانی، ۱۳۷۱).

می دانیم که اگر به آموزش و پرورش به دید واقعی نگاه کنیم و به آن اهمیت بدهیم باعث پیشرفت جامعه می شود و شاید در کشورهای توسعه یافته، آموزش و پرورش آنها دلیل پیشرفت آنها بوده است. برنامه ریزی مناسب و جذاب بودن مدارس، بودن نظم و انضباط در مدارس، جهت دار بودن آموزش و پرورش، تربیت افرادی است که خوداتکا و مستقل باشند، دلیل هر فرمان و دستوری را بدانند

و چنین دیدی از انضباط، ظرفیت ذهنی افراد را افزایش می‌دهد و او را قادر می‌سازد تا مفاهیم جهان اجتماعی و طبیعی را درک کند.

### علل بی‌نظمی دانش‌آموزان در کلاس درس و شیوه‌های برخورد با آن

بسیاری از معلمان و حتی مدیران مدارس از دانش‌آموزانی که به اعتقاد آن‌ها شلوغ هستند و رفتارهای ناخواسته و نامناسبی از خود بروز می‌دهند و به این ترتیب نظم و انضباط مدرسه و کلاس درس را دچار اختلال می‌کنند گله‌دارند. هرکدام از این افراد واکنش‌های متفاوتی در مقابل این نوع دانش‌آموزان از خود نشان می‌دهند و تصمیم‌گیری‌های آنان در این زمینه هم متفاوت است. معمول‌ترین و آشکارترین این تصمیم‌گیری‌ها برای کاهش یا از بین رفتن بی‌نظمی، گرفتن تعهد کتبی از دانش‌آموزان و در صورت تکرار از والدین آنان، تهدید به تنبیه و حتی عملی کردن آن و درنهایت اخراج موقتی از کلاس و مدرسه است. از این‌رو، نگارش این مقاله و مطالعه‌ی آن، به معلمان و مدیران کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند.

برای پاسخ دادن به این سؤال‌ها به عبارت دیگر، شناسایی علل و عوامل بی‌نظمی دانش‌آموزان در مجموعه عامل‌های متعدد، باید زیرمجموعه‌ای از عوامل کشف شوند تا با ارائه‌ی راه‌کارهای کاربردی برای از بین بردن یا کاهش آن‌ها، تغییرات مناسب و مثبت در کیفیت نظم و انضباط مدرسه ایجاد شود. در این ارتباط، کارگاهی با حضور عده‌ای از معلمان باتجربه در مراکز تربیت‌معلم یاسوج برگزار شد. حاصل چند جلسه بارش مغزی در این کارگاه برای پاسخ به سال‌های یادشده، بررسی شد. سپس با اندکی دخل و تصرف و تغییر در دیدگاه‌های افراد، این مقاله برای استفاده‌ی معلمان و مدیران مدارس و متصدیان تعلیم و تربیت تهیه و تنظیم شد (صیدی و همکاران، ۱۳۹۴).

علل و عوامل بی نظمی دانش آموزان را می توان به پنج دسته تقسیم کرد:

الف) علل مربوط به دانش آموزان (ویژگی های فردی آنان؛ ب) عوامل مربوط به معلم؛ ج) عوامل مربوط به فضای مدرسه، کلاس درس و کارکنان ستادی مدرسه؛ د) ویژگی های خانوادگی دانش آموزان؛ و) عوامل اجتماعی به هر حال بی نظمی های دانش آموزان در کلاس علل متعدد دارد:

الف- علل مربوط به دانش آموزان

گاهی علل بی نظمی در کلاس ناشی از خود دانش آموزان است. برخی از این علت ها عبارت است از:

- ۱) ناراحتی های جسمی، روحی و روانی؛ ۲) نداشتن علاوه و انگیزه؛ ۳) سردرگم بودن و بی اعتنائی به انتظارات معلم و قوانین و مقررات مدرسه و کلاس درس؛ ۴) نداشتن برنامه ی مشخص مطالعه؛ ۵) کم خوابی و خستگی مفرط؛ ۶) انجام دادن تکالیف خود؛ ۷) تغذیه ی نامناسب؛ ۸) ناامیدی به آینده؛ ۹) استقلال طلبی و مقابله با اقتدار معلم (صفوی، ۱۳۸۳)
- از بین بردن یا کاهش عوامل بی نظمی، در درجه ی اول مستلزم همکاری و هماهنگی میان خانه و مدرسه است و روشن است که معلمان و اولیای مدرسه به تنهایی و بدون همکاری والدین کاری از پیش نخواهند برد؛ بنابراین، در نظام آموزش و پرورش برای برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه نهاد مستقلی به نام انجمن اولیا و مربیان به وجود آمده است که این نهاد در هر مدرسه ای برای آگاهی والدین از مراحل رشد فرزندان خود در سنین متفاوت و آگاه کردن آنها از این مسائل فعالیت می کند:
- توجه والدین به وضعیت جسمی و روحی فرزندان خود؛ ایجاد شرایط، موقعیت و امکانات مورد نیاز برای پیشرفت تحصیلی فرزندان خود؛ تشویق مادی و معنوی و تقویت اعتماد به نفس آنها؛ پذیرش وضعیت خاص فرزندان خود و مقایسه نکردن آنها با افراد دیگر؛ تبعیض قائل نشدن بین آنها؛ تهیه میز و صندلی، اتاق مطالعه، وسایل مورد نیاز، رعایت سکوت هنگام مطالعه؛ کمک به آنها در تهیه و اجرای برنامه ی مطالعه؛ تشویق آنها به روش و تفریحات سالم و تنظیم خواب و استراحت آنها؛ داشتن برنامه ی تغذیه ی مناسب، کمک به آنها در انتخاب دوستان مناسب؛ آگاه کردن فرزندان از وظایف خود در مدرسه و خانه، رعایت

حقوق معلمان و کمک به دوستان و هم کلاسان خود؛ و در نهایت تشویق آن‌ها به رعایت نظم و انضباط در مدرسه و کلاس درس، اغلب، والدین علاقه‌مندند که بدانند در طول سال تحصیلی، در خصوص امور تحصیلی و حتی تربیتی فرزندان خود، چه وظیفه‌ای به عهده‌دارند و چه کمک‌هایی سبب پیشرفت تحصیلی فرزندانشان می‌شود. آگاهی از این مسائل، مستلزم ارتباط مستمر با مدرسه است.

ب- علل مربوط به معلم

- ۱) فقدان آمادگی جسمی، روحی و روانی معلم؛ ۲) نامناسب بودن وضعیت ظاهری معلم؛ ۳) ناآگاهی از روش‌های جدید تدریس و استفاده‌ی مکرر از روش‌های سنتی؛ ۴) بی‌علاقه بودن به شغل معلمی؛ ۵) ناتوانی در برقراری ارتباط مطلوب با دانش‌آموزان؛ ۶) رعایت نکردن عدالت آموزشی (تبعیض بین دانش‌آموزان)؛ ۷) نامناسب و نارسا بودن صدای معلم؛ ۸) نداشتن طرح درس؛ ۹) بی‌توجهی به نیازهای دانش‌آموزان؛ ۱۰) فعال بودن معلم و متفعل بودن دانش‌آموزان؛ ۱۱) استفاده‌ی نامناسب از تشویق و تنبیه؛ ۱۲) بی‌حوصلگی و نداشتن صبر و بردباری و سعه‌ی صدر؛ ۱۳) بی‌نظمی معلم (نظیر دیر آمدن به کلاس و ترک زودهنگام آن و...؛ ۱۴) تسلط نداشتن به موضوع مورد یادگیری؛ ۱۵) نداشتن روحیه‌ی انتقادپذیری و خودداری از پاسخ‌گویی به سوال‌های دانش‌آموزان (صفوی، ۱۳۸۳)

راهکارهایی برای جلوگیری از بی‌نظمی در مدرسه

راهکارهایی برای جلوگیری از وقوع مسائل و مشکلات انضباطی در مدارس برنامه‌مناسبی برای جلوگیری از وقوع بی‌انضباطی‌های دانش‌آموزان و اطلاع از رفتار آن‌ها طراحی شود مانند: شرکت دادن دانش‌آموزان در برنامه‌های انضباطی و روشن کردن قوانین، مقررات و انتظارات مدرسه از آن‌ها.

روش‌های تدریس و آموزش‌های معلم باید با توانایی‌ها، استعداد و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان متناسب باشد و از به‌کارگیری روش‌های یکنواخت، خسته‌کننده و بی‌حاصل احتراز کند. دانش‌آموزان معمولاً دارای مسائل و مشکلات جسمی، روحی، اجتماعی



و عاطفی مختلفی هستند که بی توجهی به آنها موجب بروز آزرده گی و احتمال بروز مسائل و مشکلات انضباطی در آنان می شود. همان طوری که انتظارات بالای معلم از دانش آموزان موجب ناکامی آنها می شود، انتظارات پایین معلم نیز موجبات ملالت، بیزاری و بی حوصلگی آنان از درس، معلم و مدرسه را فراهم می کند. معمولاً بی توجهی به درس معلم، برهم زدن کلاس، بازیگوشی دانش آموز، دفاعی است که او در مقابل شکست، تحقیر و یا به منظور اظهار وجود، ابراز می دارد؛ بنابراین باید به آنچه دانش آموزان احساس یا فکر می کنند، خوب گوش فرادادن در توان خواسته ای معقول و منطقی آنها را برآورده کرد.

هنگامی که دانش آموزان احساس ترس، اضطراب، خشم و غیره می کنند، بیشتر مرتکب سوء رفتار و بی انضباطی می شوند. معلمانی که دانش آموزان خود را درک می کنند و به حرف های آنها توجه دارند، خیلی راحت تر و بهتر می توانند با شاگردان رابطه عاطفی و دوستانه برقرار کنند که در نتیجه از بسیاری از مشکلات، شیطنتها و بی انضباطی های آنها جلوگیری خواهد شد. استفاده از روش های تدریس یکنواخت، موجب بی توجهی دانش آموزان به درس، به هم خوردن موقعیت یادگیری و ایجاد شلوغی و بی نظمی در کلاس خواهد شد. برای اوقات فراغت دانش آموزان در مدرسه و کلاس درس باید برنامه ریزی کرد تا از بروز مسائل و مشکلات انضباطی آنها جلوگیری شود. در تهیه و تنظیم قوانین و مقررات انضباطی، مسئولان مدرسه باید از شاگردان خود به عنوان یک طرف مشورت استفاده کنند؛ زیرا طرح و تدوین مقررات انضباطی با شرکت دانش آموزان بسیار بهتر از مقررات تحمیلی و یک جانبه خواهد بود و همکاری و مساعدت دانش آموزان را بیشتر جلب خواهد کرد. هنگامی که قوانین و مقررات انضباطی خاصی در مدرسه برقرار می شود، باید تمامی شاگردان را ملزم به اطاعت از آن کرد. در صورت رعایت نکردن یا نقض قوانین نه فقط نباید هیچ گونه عذر و بهانه ای را از فرد خاطی پذیرفت، بلکه باید او را وادار کرد تا نتایج و پیامدهای مربوط به آن را نیز تحمل کند. زیرا قبول عذر و بهانه های دانش آموزان، دروغ پردازی، عدم احساس مسئولیت، زیر پا گذاشتن قوانین و بسیاری دیگر از بی انضباطی ها را اشاعه می دهد.

در برخورد با دانش آموزان باید از تقویت کننده هایی مانند نوازش، دست دادن با آنها، دست به نشانه آنها زدن، خواندن نام کوچک آنان و غیره استفاده شود؛ زیرا رفتار و برخورد صمیمانه با دانش آموزان تا حدود بسیار زیادی از بی انضباطی و شرارت آنها می کاهد. البته باید احتیاط کرد تا جنبه سوء تفاهم و سوء استفاده پیش نیاید.

از دخالت زیاد در زندگی خصوصی و شخصی دانش آموزان که در حیطه اختیار متصدیان آموزش و پرورش نیست، باید خودداری شود؛ زیرا این کار موجب تشنج، عصبانیت و حساسیت هایی در آنها می شود.

برقراری انضباط از راه تنبیه، پیامدهایی نظیر مقاومت، بی اعتنائی، یاغیگری، عصیان، منفی بافی، شورش، تملق گوئی، لجبازی، کناره گیری و فرار از زندگی دانش آموز را به دنبال خواهد داشت.

مقررات و قوانین انضباطی تنظیم شده باید با توانایی، رشد، مشخصات و سن دانش آموزان، تناسب داشته باشد.

مقرراتی که در مدرسه وضع می شود، باید برای تمامی دانش آموزان و مسئولان و در هر زمان مورد احترام باشد، در غیر این صورت دانش آموزان نسبت به مدرسه و مقررات آن، بدبین و بی اعتماد می شوند.

تردیدی نیست که دانش آموزان باید برای رفتار پسندیده و پیشرفت تحصیلی خود مورد تشویق قرار گیرند و رفتار ناپسند آنها هم به نحوی، ضعیف و خاموش شود.

متأسفانه دیده شده است از آنجاکه دانش آموزان خوب و منضبط برای معلم مشکلی ایجاد نمی کنند، معمولاً مورد بی مهری و بی توجهی قرار می گیرند. برعکس دانش آموزان ناسازگار و بی انضباط، چه از طریق مثبت و چه از طریق منفی بیشتر مورد توجه معلم و مسئولان مدرسه قرار می گیرند. این کار باعث می شود دانش آموزان خوب و با انضباط نیز به تدریج دلسرد و بی تفاوت شوند و ممکن است که دست به بی انضباطی و کارهای نامعقول بزنند.

تشویق و تنبیه معلم و مسئولان مدرسه باید به موقع و با رفتار دانش آموزان متناسب باشد تا مفید و مؤثر واقع شود.

مسئولان مدارس و معلمان باید با دادن حق تصمیم گیری و اظهارنظر به دانش آموزان، روح اعتمادبه نفس، خوش بینی، استقلال طلبی و مسئولیت پذیری را در آنها به وجود آورند.

### علل مربوط به روابط اجتماعی دانش آموزان

عوامل اجتماعی اغلب به طور مستقیم تأثیر شگرفی در رفتارهای دانش آموزان می گذارد. از بین عوامل اجتماعی مؤثر در رفتارهای دانش آموزان به موارد زیر اشاره می کنیم:

۱. طبقه ای اجتماعی: شامل مواردی مانند میزان سواد والدین، فرهنگ حاکم بر خانواده و ... که هر کدام به نوعی تأثیر می گذارد.
۲. گروه همسالان: مهم ترین الگوی کودکان پس از والدین که تأثیر زیادی در رفتار کودکان می گذارد.
۳. عوامل اجتماعی دیگر: از قبیل تلویزیون که به عنوان الگوی رفتاری از عوامل مهم تعیین کننده در رفتار است. (اصغری پور، ۱۳۸۰)

### مهارت های اجتماعی

اجتماعی شدن از ضرورت های زندگی انسان است چون انسان موجودی فطرتاً اجتماعی است و در قالب ساختارهای اجتماعی شکل خواهد گرفت. گذر انسان از زندگی غارنشینی به سوی شهرنشینی ضرورت اجتماعی شدن را بیش از پیش نمودار می سازد. روابط اجتماعی جنبه اصلی زندگی افراد است، تعاملات اجتماعی بسته به ایجاد پیامدهای مثبت و منفی می تواند منجر به احساس شاد زیستن و لذت گردد. مهارت های اجتماعی برای کسب دامنه ای از هدف های اجتماعی، هیجانی و یا بین فردی مورد نیاز هستند (رضایی، ۱۳۹۶). مهارت اجتماعی استعدادی است که باعث بروز رفتارهایی می شود که به صورت مثبت یا منفی تقویت می شوند و نه رفتارهایی که مورد تنبیه واقع می شوند یا توسط دیگران خاموش می شوند، این مهارت ها می توانند در روابط آدمی با دیگران نتایج مثبت و موفقیت آمیزی به وجود آورند (فرهنگی و عبدالعلیان، ۱۳۹۵). مهارت های اجتماعی شامل؛ مهارت در تشخیص خصوصیات گروه، مهارت در ارتباط گیری با گروه، مهارت گوش دادن، مهارت هم دردی، مهارت در ارتباط غیرکلامی با

یکدیگر وجوه مشترک دارند (دینگ و سویگاما<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). در آموزش این مهارت‌ها باید بر توانایی‌های فرد برای توجه به زمینه‌های اجتماعی تأکید کنیم، یعنی این توانایی‌ها را در فرد رشد دهیم که نشانه‌هایی را که مبین حالت و وضعیت افراد گروه است به‌درستی تشخیص دهد و هر یک را در جای خود قرار دهد (جنابآبادی، ۱۳۹۵). آموزش مهارت‌های زندگی به‌ویژه مهارت‌های اجتماعی و حل مسئله به افراد می‌تواند در توانمندسازی افراد جامعه به‌ویژه نوجوانان در برخورد با مشکلات روزمره زندگی مؤثر واقع شد و این خود بستری مناسب برای ارتقای آگاهی افراد و افزایش امید به زندگی و پیشرفت در تمامی مقاطع زندگی خواهد بود. هدف آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان، کفایت شخصی، اجتماعی و شغلی و سازگاری با زندگی اجتماعی است. یکی از اهداف آموزش و پرورش کمک به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و هدف از درس‌های مهارت‌های اجتماعی - اقتصادی این است که افراد علاوه بر کسب دانش و مهارت تخصصی خود از نظر اجتماعی نیز در وضعیت مطلوب قرار گیرند و رفتار خود را با توجه به آن شکل دهند (هاشمی، ۱۳۸۸). به‌زعم همه تلاش‌های انجام‌شده در نظام آموزش و پرورش و تغییرات و اصلاحات انجام‌شده به دلایل متعدد اعم از درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، این سازمان به موفقیت موردنظر دست نیافته است و نظام آموزش و پرورش از کارایی و اثربخشی مطلوب در صحنه تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی برخوردار نیست. به‌علاوه بعضی از مشکلات آموزش و پرورش در خلال چهار دهه گذشته همچنان تداوم داشته و حل نشده باقی‌مانده‌اند آموزش کتاب محور، نظام مدرک گرا، کم‌توجهی به تفاوت‌های فردی، کم‌توجهی به نیازها و خواسته‌های فراگیران و جامعه اسلامی، محتوای آموزشی نامناسب و نظام اداری متمرکز از این جمله‌اند. (کلیات طرح تدوین ملی آموزش و پرورش دبیرخانه طرح تدوین، ۱۳۸۳). اگر بتوانیم کودکانی با انضباط فردی، مسئول و دارای مهارت‌های اجتماعی پرورش دهیم بسیاری از مشکلات ما رفع خواهند شد. آموزش را باید از سنین پایین آغاز کرد تا به نتیجه رسید. در جامعه ما آموزش خاصی برای فرزند پروری وجود ندارد، درحالی‌که فرزند پروری در دنیای امروز به مهارت‌های فراوانی

<sup>۱</sup> Ding & Sugiyama

نیازمند است که شاید کسی از این دست یاری رسان باشد. (الیاس<sup>۱</sup>، توبیاس<sup>۲</sup>، فریدلندر<sup>۳</sup>، ۱۹۵۲، ترجمه شریف درآمدی، شاهی، شکورصفت صدیقی، ۱۳۹۱).

یکی از عواملی که نشان می دهد نظام آموزش و پرورش ما در آموزش مهارت های اجتماعی به دانش آموزان دچار نقص و کاستی است وجود پدیده وندالیسم است. وجود وندالیسم در مدارس را نمی توان انکار کرد چراکه بسیاری از رفتارها و کارهای مسئولین مدارس به نوعی برای پیشگیری از این نوع رفتارهاست و خود این گونه عمل کردن مدیران وجود وندالیسم را تأیید می کند. برای پیشگیری از این آسیب اجتماعی در مدارس بیشتر از روش های مکانیکی استفاده می شود مانند ایجاد موانع فیزیکی محکم کردن اشیاء و اموال و غیرقابل تخریب کردن آن ها...

همچنین مدیران و معلمان به نصیحت و سرزنش دانش آموزان می پردازند که: " این گونه کارها (تخریب اموال و اشیاء) زشت است و نباید انجام شود "؛ اما ظاهراً تا امروز استفاده از این کارها نتوانسته مشکل وندالیسم در مدارس را برطرف کند، علت اینکه تا امروز مسئولان نتوانسته اند مشکل وندالیسم را برطرف کنند استفاده از روش های مکانیکی است. برای حل این گونه مشکلات می توان از روش های دیگری که سایر کشورها با این پدیده روبرو بودند استفاده کرد.

به دلیل روانی اجتماعی بودن رفتار وندالیسم بهتر است برای مقابله و پیشگیری از آن از روش هایی که توسط روانشناسان و جامعه شناسان ارائه می شود هم استفاده گردد.

می توان در مدارس با کمک جامعه شناسان و روانشناسان نسبت به آموزش مهارت های زندگی و اجتماعی برای دانش آموزان اقدام کرد که شامل افزایش مشارکت و مسئولیت پذیری اجتماعی، تبلیغ و اطلاع رسانی از طریق رسانه ها، درونی کردن فرهنگ شهروندی

<sup>1</sup> Elias

<sup>2</sup> Tobias

<sup>3</sup> Friedlander

آموزش و نمایش روابط دوستانه در محیط های شهری و برنامه ریزی مدیریتی از راه کارهای آزموده شده برای کاهش وندالیسم هستند. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۸)

#### پیشینه تحقیق

بهرنگی، علیجان نوده پشنگی و خاکی وطن (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان تأثیر روش تدریس مبتنی بر الگوی مدیریت آموزش بر پیشرفت درس علوم و فرایند شکل دهی مهارت های اجتماعی، در مقایسه با روش سنتی در دانش آموزان دبستانی انجام دادند که هدف اصلی این پژوهش مقایسه اثربخشی آموزش و روش های تدریس سنتی به دانش آموزان ابتدایی و هدف جانبی آن افزایش مهارت های جانبی نیز بود. به این منظور ۸۰ دانش آموز پایه هشتم به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. یافته های این پژوهش نشان داد پیشرفت دانش آموزان در گروه آزمایش به شکل معناداری بالاتر از گروه کنترل هست و علاوه بر آن این الگو بر بهبود مهارت های اجتماعی آنان تأثیر مثبت داشته است.

میمزی، عبدی زرین، اقلیما و راهب (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان مهارت های اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از مورد آزار قرار گرفتن نوجوانان انجام دادند. این تحقیق باهدف شناخت و توصیف مهارت های اجتماعی نوجوانان با مورد آزار قرار گرفتن آنان انجام شد. این تحقیق از نوع مطالعات توصیفی\_همبستگی بود که به شیوه نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای تعداد ۱۴۴ نفر دانش آموز مقطع راهنمایی منطقه ۱۷ انتخاب شدند. یافته ها نشان داد که بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با مورد آزار قرار گرفتن آنان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این بررسی نشان داد که نقص مهارت های اجتماعی به ویژه وجود پرخاشگری رفتارهای غیراجتماعی و عدم مهارت های اجتماعی مناسب در روابط دوسویه کودک و نوجوانان با دیگران تأثیرگذار است و باعث افزایش احتمال مورد آزار قرار گرفتن آنها می شود. پس لازم است موضوع ارتقاء مهارت های اجتماعی نوجوانان و دانش آموزان مورد توجه به ویژه مسئولین مربوطه قرار گیرد.

سلیمانی، حدادیان و شهرابی (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان بررسی و مقایسه پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان رده‌های چندپایه و عادی در مدارس ابتدایی انجام دادند، هدف این تحقیق مقایسه دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و عادی از نظر پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی بود. تحقیق به شیوه توصیفی (پیمایشی) انجام شد. داده‌های گردآوری شده با کمک شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و ...) و آزمون t دوگروهی مستقل تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی و چندپایه در چهار درس علوم، جغرافیا، فارسی و ریاضی تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه دانش‌آموزان عادی است. نتیجه دیگر تحقیق مشخص ساخته است که بین سطح مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان عادی و چندپایه تفاوت معنادار وجود دارد ولی این تفاوت به نفع کلاس‌های چندپایه است.

خلعتبری، شیرودی، رهبر طارمسری و کیخای فرزانه (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر ابراز وجود و سلامت روان دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی انجام دادند. روش این پژوهش، شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل بوده است. تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها نشان داد که اثربخشی آموزش مهارت عذرخواهی بر ابراز وجود و سلامت روان متفاوت از اثربخشی آموزش مهارت دوری از آزار و اذیت است و آموزش مهارت عذرخواهی بر میزان ابراز وجود و سلامت روان مؤثر است و همچنین آموزش مهارت دوری از آزار و اذیت بر میزان ابراز وجود و سلامت روان مؤثر است.

وطن‌خواه درباباری، قدمی و شعبی (۲۰۱۳) پژوهشی را با عنوان تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی (کنترل خشم) بر شادی و عزت‌نفس دانش‌آموزان دختران تنکابن انجام دادند. به ۸۰ نفر به صورت تصادفی پرسشنامه داده شد و از میان آن‌ها کسانی که نمره کم اثر مهارت‌های زندگی بر کنترل خشم را به دست آوردند انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره به عنوان گروه‌های آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابزار سنجش پرسشنامه شادکامی آکسفورد سال و آزمون کوپر اسمیت سال بود. از آزمون کوواریانس چندمتغیره و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی (کنترل خشم) در افزایش اعتماد به نفس مؤثر است.

کرسی و گیلووی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) تحقیقی با عنوان تفکر خارج از جعبه و ترویج یادگیری از طریق عاطفی و پرورش مهارت های اجتماعی انجام دادند. این مقاله شکاف و خلاء مهمی را در پایه سوم آموزشی نشان می دهد و یک نسخه پیشنهادی با ویرایش و فرمول بندی جدید از EQF (چارچوب صلاحیت اروپا) که شامل پرورش مهارت های اجتماعی و عاطفی در تمام سطوح هست را ارائه می دهد. امید است ارائه این فرمول موجب ایجاد یک تفکر جدید در منطقه و ترویج یادگیری و توسعه روابط عاطفی در چارچوب سطح اروپا شود با این حال نیاز به تحقیقات بیشتری در این زمینه است.

استن و گالنا بلدن<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) تحقیقی با عنوان پرورش مهارت های اجتماعی و عاطفی دانش آموزان راه هایی برای کاهش تکرار از وقایع قلدرمآبانه انجام دادند. هدف این تحقیق بررسی روی میزان پیشرفت مهارت های اجتماعی و عاطفی دانش آموزان پس از کاهش رفتارهای مخرب هست. از این نقطه نظر آن چیزی که ضروری است اجرای برنامه ضد خشونت در مدارس بر اساس برنامه برنارد (۲۰۰۸) است که والدین هم به این برنامه اضافه شوند. این تحقیق بر روی ۲۳۱ نفر از دانش آموزان دوره متوسطه مدرسه ای در رومانی (CLUJ-NAPOCA) انجام گرفت. ۱۱۷ نفر از دانش آموزان در گروه تجربی و ۱۱۴ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. پرسشنامه ای راجع به رفتارهای خشونت آمیز قبل و بعد از اجرای برنامه پرشد. نتایج حاصل از پیش آزمون پس آزمون نشان می دهد خشونت به مقدار قابل توجهی در میان دانش آموزان گروه تجربی نسبت به گروه کنترل کاهش یافته است.

<sup>1</sup> Crthy & Giloway

<sup>2</sup> Stan & Galea Belden



## بحث و نتیجه گیری

پس از بررسی و تحقیق در این پژوهش به این نتیجه دست یافته شد که بی‌انضباطی هرگونه رفتاری از جانب دانش‌آموز است که سازمان‌دهی کلاس و مدرسه را مختل یا تهدید به اختلال می‌کند. می‌توان انضباط را از کودکی آموخت یعنی والدین می‌توانند با آموزش‌ها، تذکرات، نشان دادن آثار و... نظم و انضباط را به فرزندان بیاموزند. تردیدی نیست که دانش‌آموزان باید برای رفتار پسندیده و پیشرفت تحصیلی خود مورد تشویق قرار گیرند و رفتار ناپسند آن‌ها هم به نحوی، ضعیف و خاموش شود.

متأسفانه دیده شده است از آنجاکه دانش‌آموزان خوب و منضبط برای معلم مشکلی ایجاد نمی‌کنند، معمولاً مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار می‌گیرند. برعکس دانش‌آموزان ناسازگار و بی‌انضباط، چه از طریق مثبت و چه از طریق منفی بیشتر مورد توجه معلم و مسئولان مدرسه قرار می‌گیرند. این کار باعث می‌شود دانش‌آموزان خوب و باانضباط نیز به تدریج دلسرد و بی‌تفاوت شوند و ممکن است که دست به بی‌انضباطی و کارهای نامعقول بزنند.

در بررسی علل بی‌انضباطی به این نتیجه دست یافته شد که تنها دانش‌آموز عامل مطلق بی‌انضباطی نیست و این رفتار می‌تواند از عواملی همچون، معلم، کلاس (محیط فیزیکی یا عاطفی)، خانواده و... ناشی شود؛ و می‌توان این عوامل را کاهش داد ما می‌توانیم از این رفتارهای نامطلوب پیش‌گیری کنیم که برای پیش‌گیری نیز راه‌هایی چون به‌کارگیری روش‌های فعال تدریس، وضع قوانین کلاسی، جویا شدن علل بی‌انضباطی، برخورد با این رفتارها و آموزش مهارت‌های اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

اكتساب و به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی، پایه و مبنایی است که ارتباط‌های میان فردی بر اساس آن ساخته می‌شود. دانش‌آموزانی که مهارت‌های اجتماعی را به‌طور واقعی یاد می‌گیرند، تمرین می‌کنند و شایستگی خود را به کار می‌گیرند، قطعاً می‌توانند در ورود به گروه همسالان و دوست‌یابی موفق باشند، تعاملی مثبت در روابط خود با همسالان داشته باشند و دامنه‌ای از رفتارهای مقبول از جمله نظم و انضباط بیشتر در مدارس را از خود نشان دهند.

بدیهی است اگر آموزش مهارت های اجتماعی با برنامه، منظم و به طور مستمر در طول دوران آموزش دانش آموزان تداوم داشته باشد، موجب رشد همه جانبه دانش آموزان و همکاری و مشارکت همه جانبه میان خانواده ها، معلمان و مربیان خواهد شد. آموزش مهارت های اجتماعی مناسب و فراهم کردن فرصت ها و تجاربی که تعاملات اجتماعی را افزایش دهد، موجب می شود دانش آموزان بتوانند راهبردها و مهارت های اجتماعی را در تمام محیط ها و موقعیت های واقعی زندگی تمرین کنند و به کاربندند. بدیهی است فراهم کردن این گونه فرصت ها، مسئولیت تمام کسانی است که به نحوی با این دانش آموزان در ارتباط هستند و برنامه های آموزش تلفیقی و فراگیر را باور کرده اند. در نهایت پیشنهاد می شود آموزش مهارت های اجتماعی، در برنامه های آموزش ضمن خدمت برای مشاوران و معلمان و نیز در برنامه های دانش افزایی مادران و پدران در نظر گرفته شود تا آنان بتوانند در سازگار ساختن دانش آموزان و بالا بردن نظم اجتماعی آنان نقش لازم را ایفا کنند.

### منابع

- اصغری پور، حمید، (۱۳۸۰)، کلیات راهنمایی و مشاوره، مشهد: نشر تمرین .
- الیاس، مارثوریس جی و تویاس، استیون ای و فریدلنر، برایان اس (۱۳۹۱). فرزندپروری با تکیه بر آگاهی هیجانی، چگونه کودکی با انضباط فردی، مسئول و با مهارت اجتماعی پرورش دهیم؟ ترجمه پرویز شریف درآمدی، محمدرضا شاهی، زیبا شکورصفت. انتشارات: باور عدالت تهران.
- بهرنگی، محمدرضا؛ علیجان نوده پشنگی؛ مجید و خاکی وطن، نفیسه (۱۳۹۳). تأثیر روش تدریس مبتنی بر الگوی مدیریت آموزش بر پیشرفت تحصیلی درس علوم و فرایند شکل دهی مهارت های اجتماعی، در مقایسه با روش سنتی در دانش آموزان دبستانی
- جنابادی، حسین (۱۳۹۵). تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر افزایش اعتماد به نفس کودکان دارای اختلال یادگیری کلامی و کودکان دارای اختلال یادگیری غیرکلامی. ناتوانی های یادگیری، ۶(۲)، صص ۷۰-۸۲.

- خلعتبری، جواد؛ قربان شیرودی، شهره؛ رهبر طارم سری، خدیجه؛ کیخای فرزانه، محمد مجتبی (۱۳۸۹). مقایسه اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر ابراز وجود و سلامت روان دانش آموزان کم توان ذهنی، فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال اول، شماره ۴، صص ۷۱-۸۶.
- رضایی، سعید (۱۳۹۶). تدوین برنامه آموزش مهارت های اجتماعی و بررسی اثربخشی آن بر کفایت اجتماعی کودکان با اختلال یادگیری غیر کلامی و اختلال اتیسم عملکرد بالا. ناتوانی های یادگیری، ۶(۴)، صص ۶۷-۸۲.
- سلیمانی، نادره؛ حدادیان، احد؛ شهرابی، کاظم (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه پیشرفت تحصیلی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان کلاس های چند پایه و عادی در مدارس ابتدایی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال چهارم، دوره ۴، صص ۱۴۴-۱۲۴.
- شعبانی، حسن (۱۳۷۱). مهارت های آموزشی و پرورشی، روشها و فنون تدریس. تهران، سمت.
- صیدی، علی نظر؛ سیده کبری موسوی و صغری نامی پور (۱۳۹۴). نظم و انضباط و برقراری آن در مدرسه، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، تحقیقات اسلامی سروش مرتضوی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- فرهنگی، عبدالحسن؛ عبدالعلیان، مریم (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر خودپنداره و حساسیت اضطرابی دانش آموزان مبتلا به ناتوانی های یادگیری. ناتوانی های یادگیری، ۵(۴)، صص ۴۳-۵۸.
- فونتانا، دیوید (۱۹۸۷). کنترل کلاس. ترجمه ساده حمزه و مجید محمدی، تهران: رشد.
- کارتلیج، گندلین و میلبرن، جوآن (۱۳۷۵). آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمدحسین نظری نژاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- کلیات طرح تدوین ملی آموزش و پرورش، دبیرخانه طرح تدوین شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۳)

- ممیزی، فاطمه؛ عبدی زرین، سهراب؛ اقلیما، مصطفی؛ راهب، غنچه، (۱۳۹۰). مهارت اجتماعی: نقش آن در پیشگیری از مورد آزار قرار گرفتن نوجوانان، طلوع بهداشت، سال دهم، شماره اول، صص ۹۶-۱۰۸.
- هارجی، اون؛ ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (۱۹۹۴). مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت (۱۳۷۷). تهران: انتشارات رشد.
- هاشمی، سیداحمد (۱۳۸۸). نقش آموزش مهارت های اجتماعی، وبسایت تخصصی دکتر سید احمد هاشمی در شیوه های نوین آموزش

- Crthy, A., & Mc Giloway, S. (2015). Thinking outside the box: promoting learning through emotional and social skills development, *Procedia Social and Behavioural Sciences*, 19, 644-647.
- Ding, J., & Sugiyama, Y. (2017). Exploring Influences of Sport Experiences on Social Skills in Physical Education Classes in College Students. *Advances in Physical Education*, 7(03), 248.
- Elliot, N.S. & Gresham, F.M. (1993). Social skills interventions for children. *Behavior Modification*, 17, 3, 287-313.
- Martins Teodoro, M. L., K ppler, K. C., de Lima Rodrigues, J., Martins de Freitas, P., & Haase, V. G. (2005). The Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters (MESSY) and its Adaptation for Brazilian children and adolescents. *Interamerican Journal of Psychology*, 39(2), 15-25.
- Parker, J. & Asher, S.R. (1987). Peer relations and the later personal adjustment: Are low-accepted children at risk? *psychological Bulletin*, 102, 3, 357-389.
- Cristian, S., Ioana Galea, B. (2013). The development of social and emotional skills of students' ways to reduce the frequency of bullying-type events experimental result, *procedia-social and behavioral scienc*, 114 (2014), 735-743.
- Vatankhah, H., Daryabari, D., Chadami, V., & Khanjanshoeibi, E. (2013). Teaching how life skill (anger control) affect the happiness and self-esteem of tonekabon female student. *procedia-social and behavioral scienc*, 116 (2014), 123-126.